



پژوهش روی چرخ نیازسنجی

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی عماد
معاون پژوهش حوزه



سید علی عماد اهل خراسان جنوبی است، اما از ابتدای طلبگی به قم مهاجرت کرده و امروز معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه را بر عهده دارد. او که در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز مسئولیت‌های متعددی را تجربه کرده است، از پیشگامی حوزه در طراحی سامانه نیازسنجی در علوم انسانی سخن می‌گوید.

کارباطه حوزه علمیه با نظام اسلامی در عرصه پژوهش چگونه ترسیم می‌شود؟

تعامل حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی در عرصه پژوهش و تولید دانش، فرضیه‌ای نیست که نیازی به اثبات ضرورتش باشد؛ اما ساحت‌های شکل‌گیری این تعامل، سطوح و گستره، فرایندها و سهم طرفین قابل بررسی است. حوزه‌های علمیه چه چیزی را می‌توانند به نظام ارائه کنند؟ نظام چه تعاملاتی را باید با حوزه داشته باشد؟ و مأموریت‌های هریک از این دو طرف چیست؟

حوزه علمیه سه مأموریت اساسی دارد: فهم و تبیین روش‌مند و اجتهادی دین، نشر یافته‌های دینی و جهاد و اجتهاد در راستای اجرایی کردن هنجارهای دینی؛ چه در حوزه معارف، چه در حوزه احکام و چه در حوزه اخلاق. متولی بخش نخست، یعنی فهم دین و تولید گزاره‌های دینی، نظام پژوهشی حوزه علمیه است که اگر نام «کلان‌نظام پژوهش حوزه‌های علمیه» را بر آن بگذاریم، همه فعالان پژوهش در حوزه علمیه را دربر خواهد گرفت. مأموریت این بخش در دو ساحت کلان است؛ مدیریت و راهبری جریان

تولید دانش دینی و عملیاتی کردن پژوهش‌های موردی در راستای پاسخ به نیازها.

بنابراین حوزه‌های علمیه باید کار تولید دانش مورد نیاز انسان و جامعه معاصر را بر عهده بگیرند و برای اجرایی شدن آن، به برنامه‌ریزی، راهبری، سیاست‌گذاری، کنترل، نظارت و ارزیابی بپردازند. به عبارت دیگر، حوزه علمیه در عرصه تولید دانش، متولی کل چرخه تولید دانش، از سیاست‌گذاری تا بازخورد آن به سیستم و ارائه راهکارها برای جامعه مصرف‌کننده دانش است. مخاطب این دانش نیز مشخص است؛ انسان و جامعه معاصر و به طریق اولی، جامعه اسلامی.

با وجود این که در هیچ قانونی، اعم از اساسی و عادی به مسئولیت حوزه در این باب اشاره نشده است، اما همه ما این نهاد را متولی اصلی این مسئولیت می‌دانیم و جامعه نیز آن را پذیرفته است.

آیا نظام اسلامی هم مسئولیتی در برابر حوزه دارد؟

این تعامل، نوعی دادوستد است؛ نه داد بدون ستاندن! بنابراین نظام هم

برای انجام وظیفه بهتر حوزه، تکالیفی بر عهده خواهد داشت... از ایجاد فضای فرهنگی اجتماعی مناسب برای تولید دانش و پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و تأمین منابع مالی حوزه تا تحقق یافته‌های پژوهشی در عرصه سیاسی.

نظام نمی‌تواند خود را از مشارکت حوزه‌های علمیه در سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای کلان عرصه علم و فن‌آوری کشور بی‌نیاز بداند. نهاد علم یک نهاد اجتماعی است و تمام ارباب عرصه‌های دانش باید در راهبری آن مشارکت داشته باشند. امکان ندارد بدون مشارکت هر کدام از گروه‌های دانش‌های علوم پایه، پزشکی، علوم انسانی و غیره بتوان نهاد علم را در کشور به درستی راهبری کرد. مدیریت کلان‌نهاد دانش در سطح ملی، با حضور محدود و بخشی نهادهای دانش غیرممکن است. همه‌فهرت گروه دانش اصلی، یعنی علوم انسانی، علوم پایه، فنی‌مهندسی، کشاورزی، پزشکی، بین‌رشته‌ای و علوم ارزشی و معرفتی باید در این فرایند به صورت جدی شرکت داشته باشند.

مهم‌ترین عرصه کمک نظام اسلامی به پژوهش‌های حوزوی، کمک در سنجش روایی دانش تولیدشده در عرصه‌های دینی است. اثربخشی تحقیقات توسعه‌ای را جز در محیط مصرف‌نمی‌توان احراز کرد و این فرصت بزرگی است که نظام می‌تواند برای ما ایجاد کند؛ چراکه همه گزاره‌ها و نظریات و پروسه‌های دینی در بطن نظام اجتماعی

محک می‌خورد. توانایی ما در ارائه گزاره‌های صحیح، روا و اثربخش در عرصه‌های گوناگون تربیت، اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و غیره، منوط به عملیاتی شدن و کاربردی شدن در عرصه‌های اجرایی است تا در بازخورد آن بتوانیم میزان اثربخشی و اعتبار عملی آن‌ها در رفع مشکلات نظام را بسنجیم و اصلاحات لازم را انجام دهیم. البته چه نظام چنین فرصت‌هایی را در اختیار حوزه بگذارد و چه به تکلیف خود عمل نکند، حوزه‌ها بر اساس ضرورت ذاتی خود، موظفند از کم‌ترین فرصت‌ها نیز استفاده کنند و به نیازهای نظام پاسخ دهند.

بیشتر علوم بین‌رشته‌ای مبتنی بر علوم ارزشی است و یک پای ثابت آن‌ها رشته یا گرایشی از گروه علوم ارزشی و معرفتی است؛ بنابراین یک عرصه ارائه خدمات حوزه‌های علمیه، مشارکت در راهبری کلان کاروان علم و تولید دانش است. قلمرو دیگر، تولید عملیاتی دانش است و بخشی از نیازهای نظام در طراحی نظام‌های سیاسی، اقتصادی، تربیتی، حقوقی، ارتباطات بین‌الملل و غیره، پاسخ‌های حوزه‌های علمیه‌رانی طلبد.

آیا به نظر می‌رسد بیشتر پژوهش‌های حوزوی کاربردی و هدفمند نیستند و شناخت ناکافی از نیازها به سردرگمی در میان پژوهشگران منجر شده است؛ آیا سازوکار جامعی را می‌توان برای رفع این معضل ایجاد کرد؟
گام نخست این است که به این نیازها